

قاتل سحر خدا یاری کیست!؟

سحرخدا یاری را باید نماینده نسلی تلقی کرد که در گنداب سیاست بازی و غرقآب ندانم کاری و تعفن ذائقه سازی های مهوع مشتی بندباز سیاسی کشته شد؟

سحرخدا یاری را به کفایت می توان نماد و نماینده نسلی قلمداد کرد که لامحاله کم وزنی عقلی و بیوزنی هویتی خویش را چلیپاکشی می کنند! نسلی که در نقطه تباین با نسل دیروزی است که در دهه پنجاه برخلاف سحرخدا یاری و هم تران سحرخدا یاری دغدغه شان نشستن در استادیوم و جیغ زدن برای ۱۱ نفر مشنگ تر از خودشان نبود! نسل دیروز اگر قهری داشت و قهرمانی اگر دردی داشت و درمانی!

قهر و درد و قهرمان و درمان را از بطن مطالعات فلسفی و مکاشفات عقلی اش احصا و استحصال می کرد.

دغدغه های نسل من را فرانتس فانون و برتراند راسل و آندره ژید و مارسل پروست و جمیله بوپاشا و شریعتی و جلال و نهضت حسینی قیام عاشورا نشانه گذاری می کرد!

حتی خوانندگان نسل من ام کلثومی بود که در جنگ شش روزه آنچنان می تهجانه در بسیج سربازان مصری خواند که بعدها مناخیم بگین در توجیه قتل عام سفاکانه تلزعترا گفت اگر ام کلثوم در ۶۷ آنچنان سربازان مصری را به وجد نمی آورد ما نیز در تلزعترا آنچنان نمی کردیم!

نسلی که اگر هم خودزنی می کرد جان شیرین اش را فدیة آرمان های بلند آزادی و استقلال و مبارزه با استعمار و استبداد می کرد.

شوربختی است که با نسلی مواجه ایم که دغدغه اش فوتبال و نشستن در استادیومی شده که برون دادش مشتی الدنگ بی سواد و بد دهان اند که کل افتخارات ملی شان با بلع میلیاردها تومان پول بی زبان، زنگ تفریح شدن برای فوتبال باشگاه های حرفه ای جهان است!

نسلی که آنچنان مغزشوئی شده که سطح مطالباتش تا زوال نشستن در استادیوم و جان دادن برای آن نشیمنگاه منحوس تنازل یافته!

ام کلثوم شان نیز ساسی مانکنی شده که جنتلمن است! و خانومش هم جندرم! و آن روان پریش نیز قهرمان شان شده که از بطن دنیای کالانگاری به زن، کور عقلا نه با بیرق روسری های سفید سحر را قربانی نگاه جنسیتی به زنان در ایران قلمداد می کند.

سحر را شماتت نبایست کرد.

سحرها را به استادیوم راه ندهید

مردها را نیز به استاد یوم راه ندهید
اساسا گِل بگیرید دربِ دنیای فوتبال ایران را که خروجی اش همه چیز
هست جز ورزش!

سحر را خدا داد اما فوتبال مبتذل و منحنی ایران و تنازل مطالبات
نسل جوان به چنین انحطاط و ابتذالی سحر و سحرهای بیشمار را از
ما گرفته و می‌گیرد.

کاش عدلیه ایران نیز قبل از دغدغه نشیمن‌گاه دخترکان ایران در
استادیوم کمی هم سودای ارتقای اندیشه و عقل و معرفت و شعور این
دخترکان را عهده داری می‌کرد!

#داریوش سجادی